چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰



ژیلا آبشاری
دکترای اقتصاد از دانشگاه مدیترانه شرقی



محمدهاشم پسران
استاد بازنشسته دانشگاه کمبریج

محمدهاشم پسران از اقتصاددانان مشهورایرانی در عرصه بین‌الملل، ۱۳ اسفندماه سال گذشته وبیناری با موضوع چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ داشتند. در حال حاضر که نیمی از سال را پشت سرگذاشته‌ایم می‌توانیم تحلیل‌ها و پیش‌بینی ایشان را با واقعیت بهتر مقایسه کنیم. ژیلا آبشاری، دبیر کمیسیون توسعه و بهبود محیط کسب و کار اتاق بازرگانی اصفهان زحمت پیاده‌سازی و خلاصه کردن مباحث را کشیده‌اند.

نوسانات بازارهای سرمایه، ارز، طلا، مسکن، مواد اولیه و ... همچنین سمت و سوی اقتصاد کشور، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی فعالان اقتصادی در روزهای پایانی هرسال جهت تعیین استراتژی بنگاه‌های اقتصادی خود در سال پیش رو است. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان در ششمین همایش چشم انداز اقتصاد ایران میزبان پروفسور محمد هاشم پسران، برجسته‌ترین اقتصاد دان ایرانی و نامزد دریافت جایزه نوبل اقتصاد بود. این اقتصاد دان کنترل ارز را مهمترین ابزارهای کنترل تورم در ایران دانست و رشد بالای ۳ درصد را برای اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی نمود. با توجه به اهمیت مطالب ارائه شده در این همایش، در ادامه به مشروح سخنان محمدهاشم پسران خواهیم پرداخت.

ابتدایی ترین مسئله اقتصاد ایران: تورم

اقتصاد ایران در چهار دهه گذشته همواره با معضل تورم روبرو بوده است. میانگین تورم ایران در چهل سال گذشته حدود ۱۸٫۵ درصد بوده است که بسیار بالاتر از میانگین نرخ تورم جهان در همین دوره می‌باشد. از سوی دیگر میانگین تورم ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۸ حدود ۲۰٫۲۵ درصد بوده که با همین میانگین در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۷ (۲۰٫۴۱ درصد)، تفاوت چندانی ندارد. اما عملکرد بسیاری از کشورها در همین دوران بسیار مناسب بوده است. به عنوان مثال کشور ترکیه توانست ابر تورم ۵۸٫۲۵ درصد در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۸ را به نرخ ۸٫۱۵ درصد در دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۷ کاهش دهد و یا حتی کشور نفت خیز کانادا نیز میانگین تورم خود در فاصله زمانی مذکور باکاهش ۷۰ درصدی به میانگین ۱٫۶۷ درصد در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۷ برساند.

مهم‌ترین ابزار کنترل نرخ تورم: کنترل ارز

با بررسی روند تغییرات نرخ ارز و تورم در دهه‌های گذشته، می‌توان نشان داد تغییرات این دو شاخص کاملا در یک راستا و تا حدود زیادی برهم منطبق است. همانطور که قبلاً اشاره شد میانگین افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در چهار دهه گذشته با کسر ۲ درصد میانگین تورم جهانی، در حدود ۱۷٫۲ درصد بوده

در حالی که این میانگین برای نرخ ارز بازار آزاد رشد حدود ۱۷ درصدی را نشان می‌دهد. این هماهنگی در حدی است که اگر در یک دوره تورم و ارز به یک اندازه تغییر نکرده باشد در دوره بعدی تغییرات به اندازه ای خواهد بود که فاصله دوره قبل را جبران و میانگین تغییر را بسیار نزدیک نماید. با این نتایج می‌توان ادعا کرد که اولین مسأله تورم ایران، جهش نرخ ارز در بازار آزاد است و همچنین دلیل اصلی افزایش نرخ ارز نیز به دلیل تحریم‌ها نیست بلکه عدم توانایی در کنترل تورم است به طوری که با افزایش شدید تورم، نمی‌توان جهش‌های نرخ ارز را هم مهار نمود.

پاندمی کرونا سیاست‌های حمایتی دولت

تجربه بحران‌های جهانی نشان داده است که ایران به دلیل عدم اتصال به اقتصاد جهانی علی الخصوص در بازارهای پولی، ارزی و یا اوراق قرضه دولتی ضربه کمتری نسبت به بسیاری از کشورها در مقابل کرونا داشته است. عملکرد ایران در کنترل کرونا، به جز فروردین ماه سال ۹۹، مناسب به نظر می‌رسد. گرچه دولت با توجه به مشکلات موجود نتوانست پوشش اقتصادی قابل قبولی ارائه دهد. در بین بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، گردشگری بیشترین آسیب را از پاندمی کرونا داشته است به طوری که کاهش تقاضای این بخش ۱۰۰ درصد برآورد می‌گردد. از سوی دیگر کاهش تقاضا در بخش رستوران و غذا در حدود ۹۰ درصد، در بخش آرایشگاه و خدمات زیبایی حدود ۸۵ درصد و در بخش لوازم خانگی حدود ۷۰ درصد بوده است. از سوی دیگر بیشترین آسیب از پاندمی کرونا در قشرهای کم درآمد و افرادی که در صف‌های اول جبهه اقتصادی قرار دارند، اتفاق افتاده است و به نظر حمایت‌های دولت از این گروه‌های درآمدی کافی نبوده است. گرچه به نظر می‌رسد احتمالاً دولت به دلیل اجتناب از بروز تورم بیشتر در آینده، برخی از هزینه‌های حمایتی اقتصادی را انجام نداده است اما افزایش فشارهای اقتصادی روی قشر کم درآمد تبعات اقتصادی و اجتماعی بسیار بیشتری از افزایش تورم احتمالی ناشی از سیاست‌های حمایتی دولت خواهد داشت. بنابر این بهترین سیاست اقتصادی در این دوران برنامه ریزی دقیق، هدفگذاری جامع و برآورد آسیب دقیق وارد شده به تمام سطوح اقتصاد و نهایتاً انجام سیاست‌های حمایتی متناسب با آسیب پذیری هر بخش است.

روند آتی اقتصاد جهان

مولفه‌های اقتصادی حاکی از روند رو به رشد و بهبود نسبی در اقتصاد جهان پس از پاندمی کرونا است. تجارت جهانی در دو ماهه آخر سال ۲۰۲۰ شروع به برگشت و رسیدن به نقطه قبل از کوید ۱۹ کرده است. در همین دوران قیمت نفت برنت، نرخ دلار آسیا و شاخص شامخ(شاخص خرید مدیران) نیز افزایش داشته اند. این روند مثبت شاید نشانه ای برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران باشد اما قطعا شرط لازم تلقی نمی‌گردد. گرچه مسئله اصلی در حال حاضر کنترل و پوشش اقتصادی آثار کرونا است، نمی‌توان انتظار داشت بدون سیات‌های حمایتی دولت و تنها با بهبود ارتباطات بین‌المللی شرایط اقتصادی کشور را بهبود بخشید. طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب۶٫۵- درصد و ۱٫۵- درصد بوده و همانطور که مشخص است در سال ۱۳۹۸ که هنوز کرونا بر اقتصاد تاثیر نگذاشته بود آثار تحریم بیشتر از پاندمی کرونا باعث کوچک شدن اقتصاد ایران شده است. در همین گزارش پیش بینی شده است که رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰ در حدود ۳ درصد خواهد بود.

تحریم و سیاست‌های اقتصادی دولت

در دهه‌های گذشته ایران همواره در تحریم‌های بین‌المللی قرار داشته است، گرچه نوع این تحریم‌ها از لحاظ تحریم‌های نظامی، اسلحه تا تحریم‌های اقتصادی و پولی متفاوت و با شدت‌های مختلف بوده است. اثر تحریم بر اقتصاد را می‌توان در دو شاخه تاثیرات مستقیم و تاثیرات غیر مستقیم بررسی نمود. برخی از اثرات مستقیم تحریم‌ها را می‌توان در تکانه‌های بازار ارز، جهت یابی منفی بازارهای مالی و کاهش صادرات نفتی و غیر نفتی برشمرد اما مهمترین تاثیر غیر مستقیم تحریم، کوچک شدن سهم بازار کشور از تکنولوژی روز و عدم توانایی شراکت با دنیا که منجر به تجلی تلاطم در تولید واقعی به دلیل تلاطمات ارز و تورم و آسیب جدی به اقتصاد می‌گردد.

استفاده از بازار سرمایه برای تولید واقعی

با توجه به نقش مهم بازار سرمایه و بورس در اقتصاد ایران، می‌توان به روند مثبت این بازار در میان مدت امیدوار بود. این روند مثبت می‌تواند اقتصاد را جهت‌دهی نموده و از اقتصاد سفته بازی به سمت اقتصاد واقعی سوق دهد و با افزایش سرمایه گذاری در تولید، ظرفیت‌های اقتصادی کشور را تقویت نمود و رفاه اجتماعی را افزایش داد.